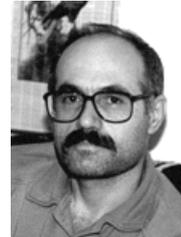


سندیکای خبازان سندج و مبارزات اخیر



مظفر محمدی

خبازان سندج را میتوان اولاً متاثر از مبارزه و اعتصابات و اعتراضات رو به رشد در جنبش کارگری ایران دانست و دوم اینکه مبارزه اتحادیه خبازان شهر سقز برای خواستهای برحقشان و موفقیتهایی در پس راندن تعرض ضد کارگری و بخصوص کسب اعتبار تشکل و شخصیتهای این اتحادیه در ابعاد سراسری در ایران و حتی در سطح بین المللی به خاطر دخالت پیگیرانه حزب کمونیست کارگری ایران و جلب پشتیبانی جهانی برای مبارزات و رهبریشان، محرک دیگری در به میدان آمدن اتحادیه خبازان سندج برای احقاق حقوق کارگیشان است. از طرف دیگر این نشان میدهد که نفس یک نوع تشکل علیرغم کاستیهای آن کمکی است به کارگران



یک دنیای بهتر، برنامه حزب کمونیست کارگری اثر منصور حکمت را بخوانید!



سرمدبیر: ایرج فرزاد
iraj_farzad@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۳۹۵۵۵۰۸۵
فاکس: 00448701687574

آدرس:

K.F.K.S
Box 15203
104 65 Stockholm

پست گيرو: ۱۶۷۸۴۷۱-۲

رادیو انترناسیونال

هر شب

۹ تا ۹ و ۴۵ دقیقه

بوقت تهران

طول موج

۳۱ متر برابر با

۹۹۴۰ کیلوهرتز

تلفن:

۰۰۴۴ ۷۷۱ ۴۶۱ ۱۰۹۹
اطلاعات و پیامگیر رادیو:

۰۰۴۴۲۰۸۹۶۲۲۷۰۷

روزهای یکشنبه

نیم ساعت به

زبان کردی

صنعتکار کارگاههای کوچک و شوراهای کارگران نساجی و غیره به حیات خود ادامه داده اند. این اتحادیهها بخصوص در میان خبازان و خیاطان از دیر باز و همواره از یک سری محدودیت و کمبودها رنج برده اند که از جمله آنها، دخالت صاحب کاران و دولت و اداره کار در کار و یار اتحادیه (از آغاز و تا ملتهتا تشکل مشترک صاحب کارها و کارگران بوده اند)، قانونگرایی و چرخیدن در چهارچوب قوانین و اداره کار رژیم، تبدیل شدن بعضی از رهبران اتحادیه به نمایندگان مادامالعمر و عدم دخالت روزمره و دائمی کارگران از طریق مجامع عمومی شان و بالاخره به اینها کم تجربگی و نداشتن مقررات و سنت کار اتحادیهای را میتوان

صفحه ۲



نام مهم است!

در حاشیه سخنرانی ابراهیم علیزاده در شهر استکهلم

صفحه ۳

پیام به مردم آزادیخواه کردستان!

رحمان حسین زاده

صفحه ۴

اعتراض کوبنده و مشترک مردم شهرهای مهاباد و سردشت علیه جمهوری اسلامی

صفحه ۴

پیاد فواد مصطفی سلطانی!

صفحه ۳

خبری از مریوان:

مقاومت مردم در برابر حمله

مزدوران رژیم به دستفروشان

صفحه ۳

سازمان زحمتکشان عقربه‌های ساعت خود را با زمان جمهوری اسلامی تنظیم میکند!

پیغام داده است که میخواهند با حزب دمکرات کردستان ایران و "کومه له" مذاکره کنند....

- رحیم صفوی فرمانده سپاه پاسداران رژیم اسلامی ایران در سفرش به سندج از تعهد تعطیل کردن فعالیت نظامی حزب دمکرات و کومه له سخن گفت....

- مرکز اولوف پالمه و جریان انترناسیونال سوسیالیست که جریاناتی جانبی از سوسیال دمکراسی هستند، در استکهلم سمیناری در بسته تحت عنوان "راه‌های مساله کرد" با شرکت احزاب ناسیونالیست کرد ایران، عراق و ترکیه برگزار کردند. - جلال طالبانی از یار و دوست خود رحیم صفوی گلایه آمیز اظهار داشت که من باعث امنیت در منطقه بوده‌ام از طریق فعالیت "پر اقتخار" من بوده که حزب دمکرات و کومه له فعالیت نظامیشان را تعطیل کرده اندو از اینکه دوستش یعنی صفوی از این تامین امنیت

صفحه ۳



عبدالله شریفی

طی دو هفته اخیر یک سلسله اخبار و رویداد را راجع به کردستان شاهد بودیم، نگاهی به این اخبار به وضوح از پیوند و رابطه درونی به هم پیوسته، در متن یک موضوع پرده بر میدارد که در عین حال به چند پرده متوالی از یک نمایش مضحک شبیه است.

این اخبار چنین است:

- گویا پاسداری که مسئولیت درجه چندم دم مرز ایران و عراق در مرز کردستان را به عهده دارد به حزب دمکرات

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

نام مهم است! حسین مرادبیگی (حمه‌سور)

ابراهیم عزیزاده دبیر اول کومه‌له در سخنرانی خود، روز شنبه گذشته ۱۶ شهریور ماه در شهر استکهلم پایتخت سوئد، در مورد اختلافان با سازمان زحمتکشان گفته است هم اکنون مشخص است که مسئله اسم نیست که با کدام پسوند فعالیت میکنند حتی مسئله شعار فدرالیسم هم نیست چون ما هر استراتژی هم برای مسئله کرد داشته باشیم بنا به شرایط شاید در مقطعی فدرالیسم را که بتواند در مقابل دیکتاتوری عریانی فرج‌ای ایجاد کند آن را بپذیریم. مسئله اینست این دوستان با وسوسه دیالوگ نا آگاهانه به دام پروژه رژیم افتاده‌اند. (نقل به معنی)

این اظهار نظر چیزی جز تداوم خوشخیالی سیاسی ابراهیم عزیزاده نیست. برخلاف نظر ابراهیم عزیزاده در این مورد موضوع نام مهم است بویژه وقتی پای سرمایه سیاسی سازمانی به این نام در میان باشد. عبدالله مهدی و شرکاء در درجه اول نام کومه‌له را میخواستند. اینها در نوشته

خود "در باره دوره جدید فعالیت تحت نام کومه‌له" صریحا گفتند که هدفشان "استفاده از سرمایه سیاسی ای است که تحت این نام فراهم شده است". استفاده از سرمایه سیاسی کومه‌له با توجه به دخالت حزب کمونیست کارگری برایشان ممکن نبود، به این جهت برای ربودن نام کومه‌له هجوم آوردند. اگر نام کومه‌له نبود، عبدالله مهدی و عمر ایلخانی زاده چطور میتوانستند ادعای لیست جانباختگان را بکنند و آنان را وثیقه آرمان سیاسی ای بنامند که این جانباختگان در مقابل آن ایستادند و جان باختند. چطور میتوانستند به اهداف آنان، به خاطر آنان تعرض کنند، چهره و عقاید آنان را رتوش کنند و از آن برای خود سرمایه بسازند. اینها به نام کومه‌له هجوم بردند که از آن برای حضور رساندن در مجامع و مراجع و هیئتها، در تلاش برای راه انداختن هیستری ضد کمونیستی و ضد چپ در کردستان استفاده کنند. این را که خود ابراهیم عزیزاده نیز شاهدند.

به دست گرفتن شعار فدرالیسم هم همینطور. شعار فدرالیسم از طرف اینها طرحی است برای رجوع کردن به خون، نامی است برای رجوع

کردن به قومیت و شکل دادن به یک صف ارتجاعی براساس خون و قومیت. نامی است برای دامن زدن به عرق قومی و پرچم سیاهی است برای راه انداختن پاکسازیهایی قومی در آینده که اینها فکر میکنند با دریافت چند اسلحه از دولتها و نیروهای ارتجاعی منطقه میتوانند با توسل به آن برای مبارزه آزادیخواهانه و برابری طلبانه کمونیستها و مردم کردستان ایجاد مزاحمت کنند. اینها که القباي سیاست است! استفاده از نام کومه‌له را این جماعت در درجه اول مرهون خوشخیالی سیاسی شخص شما و سازمانتان هستند. خودداری شما از دست بردن به یک مبارزه سیاسی جدی بمنظور جلوگیری از استفاده از نام کومه‌له و ترسیم اختلاف سیاسی روشن با این جماعت، ظاهرا فصل مشترک جنبشی این را اجازه نمی دهد، سازمان زحمتکشان را در ادامه استفاده از نام کومه‌له آزاد گذاشته است. چوب این سیاست را خود شما دارید میخورید. هویت تراشی شما برای سازمان زحمتکشان، دیالوگ با رژیم، کلاه گشادی است که دارید سر خودتان میگذارید.

۱۲ سپتامبر ۲۰۰۲

بیاد فواد مصطفی سلطانی

نسان نودینیان

اولین بار رفیق فواد مصطفی سلطانی را در محل کارش همراه رفیق جانباخته عطا رستمی در قرارگاه نیروی برق مریوان ملاقات کردم. فواد مهندس برق بود. و در این رشته تحصیلات دانشگاهی را تمام کرده بود. این ملاقات قبل از دستگیریش بود. ملاقات اول و کوتاه مدتی بود. با آزادی او از زندان همراه سایر زندانیان سیاسی بار دیگر در منزل پدرش در مراسم شادی بمناسبت آزادی در روستای آلمانه مجددا فواد را دیدم. ملاقات کاملا کوتاهی بود. جمعیت زیادی از مردم و روشنفکران در این مراسم بودند. بهار آزادی نزدیک بود و همه ما و آن جمعیت وسیع که اکثریت آنها را روشنفکران چپ شکل میدادند درگیر در امور روزانه و هدایت امر پیشبرد و وظایف انقلاب و قیام بودیم. منظرها بشدت عوض میشدند و آدمها سریع و در یک فضای سیاسی و مبارزاتی و خیابانی با هم دیدار میکردند. بعد از مدتی مجددا در یکی از خیابانهای شهر مریوان فواد را دیدم. یکی از برادرانش در مورد ما توضیحاتی برایش داد و این مبنای آشنایی و شروع فعالیت سیاسی مشترک ما شد. ما دو گروه و محفل جدا از هم بودیم. اما فضای سیاسی و مبارزات خیابانی و سرنوشت مبارزات انقلابی در آندوره مرزهای همکاری را به هم نزدیک کرده بود. بعد از مدتی مشترکا در کار امور سازماندهی جنبش مسلحانه و مقاومت شهری در کنار هم بودیم. و کار مشترک سیاسی و تشکیلاتی را شروع کردیم. هر چند متأسفانه کوتاه بود. و بعد از چند ماه فواد را از ما گرفتند. و او در یک مقاومت مسلحانه با رفیق جان

باخته طهمورس اکبری، در ۱۱ شهریور سال ۱۳۵۸ جان باختند. در سال ۵۷ و قبل و بعد از قیام، جامعه و شهرها دستخوش تغییرات انقلابی بودند. مهر دخالتگری انقلابی در دست روشنفکران و کادرهای کمونیست بود و همه میتوانستند از این موقعیت استفاده کنند. فواد به ایندسته از کمونیستها تعلق داشت. و به نسلی که دخالتگری و زدن مهر روش انقلابی و ردایکال را نمایندگی میکردند. فواد در کنار و همراه دهها نفر از ما انقلابیون کمونیست بود. فواد با آن تاریخ بود. او در سازماندهی و راه انداختن جنبش مسلحانه علیه مرتجعین محلی، در سازماندهی جنبش مقاومت شهر مریوان و سازماندهی ارگانهای حاکمیت توده‌ای نقش برجسته و قابل توجهی داشت. تاریخ سیاسی ایران و مقدرات جنبش کمونیستی مقاطع و مراحل مختلفی را پشت سر گذاشته است. دوره‌ای که فواد در آن زندگی و مبارزه کرد مربوط به مراحل از این تاریخ است. محدودیتهای تاریخی در دوران مبارزه فواد هیچ کسی را موجه نمیکند که او را با گرایشات متعصبانه و قوم پرستانه همخوان تصویر کند. سازمان زحمتکشان که با آویزان کردن خود به فواد تلاش میکند فراخوان ارتجاعی خود برای پاکسازی "غیرکردها" را از میراثهای فواد قلمداد کند، موهن‌ترین بی حرمتیها را در حق این انسان مبارز و مدافع امر برابری مردم زحمتکش روا داشته است. □

شهرداری به زدو خورد می پردازند. مزدوران رژیم از ترس گسترش اعتراضات فرار را بر قرار ترجیح داده و مردم با پرتاب کردن سنگ به ماشین های شان آنها را فراری میدهند و با دادن شعار علیه مزدوران و سوت زدن و

خبری از مریوان

مقاومت مردم در برابر حمله مزدوران رژیم به دستفروشان

هفته قبل مامورین شهرداری مریوان به دستفروشان که برای امرار معاش خود در کنار خیابان های شهر از چهار راه اصلی تا میدان شبرنگ هر کدام مقدار میوه و سبزی و... روی چرخ هایی گذاشته بودند حمله کرده که با مقاومت این دستفروشان روبرو گشته و با مامورین شهرداری درگیر می شوند. مامورین مزدور شهرداری از نیروهای انتظامی کمک خواسته و چند واحد نیروهای انتظامی برای سرکوب دستفروشان و جمع کردن بساط شان وارد عمل می شوند. مردم شهر به کمک دستفروشان می روند و با درگیر شدن با مامورین انتظامی و

◀ سازمان زحمتکشان ۰۰۰

داد. رهبران کومه له متأسفانه چرتشان پاره نشد. اکنون باید به مردم جواب بدهند که تعطیل کردن فعالیت نظامی بخاطر امنیت مردم کردستان عراق را به خود تحمیل کرده اند ولی معلوم نمیکنند چرا به خاطر امنیت و آسایش مردم کردستان عراق مجاز هستند در مقابل سیاستهای زن کشی و ضد آزادی و کمونیست کشی و تحمیل فقر و بی آیندگی مردم در مقابل احزاب ناسیونالیست عشایر کرد، دهن بسته باشند؟! امیدوارم که رهبری کومه له درس گرفته باشد، و حداقل در دفاع از مشروعیت خود تحت نام کومه له نه تنها در مقابل باند مهدی بلکه در برابر کل پروژه اسلامی این غارت نام بایستد.

جریان باند مهدی که امروز عقبه های ساعت خود را با

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

پیام به مردم آزادیخواه کردستان

جنايات اتفاق افتاده توسط جمهوری اسلامی در شهرهای مهاباد و سردشت لازمست پاسخ شایسته خود را از جانب شما مردم مبارز شهرهای کردستان بگیرد. شرایط سیاسی کنونی، گسترش هر روزه فضای اعتراضی علیه جمهوری اسلامی در سراسر ایران و موقعیت مساعدی که به نفع مبارزه ما مردم به وجود آمده است، ایجاب میکنند، که اجازه ندهیم رژیم جمهوری اسلامی به جنایاتش ادامه دهد. یک هفته آینده میتواند فرصتی باشد که با اتکا به تجارب تاکنونی و با ابتکارات مختلف و در هر شکلی که میتوانیم، با اعتراض و مبارزه دیروز شهرهای مهاباد و سردشت اعلام همبستگی کنیم. میتوانیم در حمایت از خواست آزادی فوری دستگیر شدگان دیروز در مهاباد و آزادی کلیه زندانیان سیاسی و کوتاه شدن دست جنایتکاران اسلامی از سر مردم حرکت اعتراضی گسترده‌ای را در همه شهرهای کردستان سازمان دهیم. برپایی اقدامات اعتراضی در هر شهر، رفتن به عبادت زخمیهای وقایع اخیر در شهر مهاباد و سردشت، سرزدن به خانواده و بستگان قربانیان جنایات اخیر، آتش روشن کردن بر بلندیهای

اطراف به نشانه حمایت از این مبارزات میتواند مواردی باشد که به دست بگیریم.

مردم مبارز شهرهای کردستان و همه فعالین و پیشروان مبارزات مردم و فعالین و دوستداران کمونیسم کارگری را به گسترش اقدامات مبارزاتی در اعتراض به جنایات اخیر جمهوری اسلامی در مهاباد و سردشت فرا میخوانم. بدیهی است گسترش این مبارزه با حمایت مردم معترض در سراسر ایران روبرو خواهد شد.

در پایان از طرف حزب کمونیست کارگری و تشکیلات کردستان حزب با خانواده و بستگان قربانیان جنایات اخیر ابراز همدردی میکنم و به مردم مبارز شهرهای مهاباد و سردشت به مناسبت اعتراض کوبنده و قاطع دیروز درود میفرستم.

رحمان حسین زاده

دبیر کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
۲۰ شهریور ۱۳۸۱
(۱۱ سپتامبر ۲۰۰۲)

اعتراض کوبنده و مشترک مردم شهرهای مهاباد و سردشت علیه جمهوری اسلامی

اعتراض کوبنده و مشترک مردم شهرهای مهاباد و سردشت در شهر مهاباد علیه جمهوری اسلامی بنا به اطلاعیه کمیته کردستان حزب و گزارش فعالین حزب کمونیست کارگری از شهر مهاباد، روز سه شنبه ۱۹ شهریور این شهر شاهد اعتراضات گسترده مردم سردشت و مهاباد بوده است. در زیر خلاصهای از این وقایع را مطالعه میکنید.

روز دوشنبه ۱۸ شهریور ۱۳۸۱ (۹ آگوست ۲۰۰۲) در نزدیکی "کاولان" مزدوران رژیم به ماشین حامل بار کسانی که در شهرهای مرزی ایران و عراق به کسب و کار مشغولند، تیراندازی میکنند و ۳ نفر را فوراً اعدام میکنند. ۲ نفر هم زخمی میشوند. اسامی کشته شدگان عبارتند از علی و ابراهیم که هر دو برادرند و اهل روستای "وسوکل" سردشت و غفور که اهل شهر سردشت است یک نفر از زخمی‌ها ارسلان نام دارد. مزدوران رژیم تمام اموال آنها را به غارت میبرند. مقامات رژیم وقتی از هویت قربانیان این واقعه مطلع میشوند و میدانند که آنها مقیم سردشت هستند، از ترس اعتراض مردم

این شهر، جنازه‌ها را به مهاباد میبرند و شایع میکنند که آنها زخمی بوده و در راه جانشان را از دست داده‌اند. خبر این جنایت فوری در مهاباد پیچید و مردم در همه جا از آن صحبت میکردند. در سردشت نیز فوری مردم از ماجرا و جنایت و توطئه رژیم باخبر شدند. روز ۱۹ شهریور تعداد زیادی از مردم سردشت با ۲۰ تا ۳۰ ماشین برای اعتراض به این جنایت به مهاباد آمدند و در میدان جامی تجمع کردند. ساعت حدود ۱۰ تا ۱۰ و نیم صبح بود و مردم شهر مهاباد نیز دسته دسته به آنها پیوستند. تظاهرات مردم معترض از میدان "جامی" شروع و به طرف پل "یرغو" و از آنجا به طرف میدان آزادی و شهرداری واقع در خیابان طالقانی راه افتاد. مردم خشمگین بیشتر و بیشتر میشدند و یکصد شعار میدادند، "مرگ بر جنایتکار". نیروهای رژیم نیز مرتب افزایش می‌یافت و به مردم حمله کردند. در خیابان طالقانی مردم به دادگاه انقلاب حمله کرده و شیشه‌های آن را در هم شکستند و بدنبال شیشه‌های بانکهای سپاه و ملی را هم پایین آوردند. به یکی از مراکز شهرداری شهر

همه مردم را به حضور فعال در این مبارزات و تلاش برای آزادی فوری دستگیر شدگان اعتراضات اخیر فرا میخواند.

پیرانشهر:

روز ۱۳ شهریور (۴ سپتامبر ۲۰۰۲) در روستاهای زیبوک و ماشکان در نزدیکی پیرانشهر واحدهای گشتی رژیم بهانه تعقیب کاروانچی وارد این روستاها شده که فوری مردم به مقابله با آنها میپردازند. در هر دو روستا مردم و خصوصا زنان با مزدوران رژیم درگیر شده و ضمن کتک زدن آنها مزدوران را فراری داده و آنها را از روستاهای خود بیرون میکنند.

سر رسیده و راننده پیکان را کتک میزنند. و همزمان میخواهند اموال او را مصادره کنند. مردم روستا و خصوصا زنان به مقابله با مزدوران پرداخته و با آنان درگیر و همزمان راننده پیکان و وسایلش را از چنگ مزدوران رژیم در آورده و راننده را فراری میدهند. در عین حال شیشه ماشین واحد گشتی رژیم را با سنگ و چوب میشکنند. نیروهای پاسگاه راهنما و رانندگی مستقر در محل به کمک مزدوران گشتی رژیم شتافته، که با مقابله مردم روبرو شده و رئیس پاسگاه از طرف مردم کتک میخورد. در این وضعیت نیروهای ویژه رژیم با چند ماشین از بوکان سر رسیده و ۵ نفر از مردم را دستگیر میکنند.

سه شنبه به دست جنایتکاران اسلامی چند نفر جانباخته و جنازه‌هایشان به سردخانه بیمارستان منتقل شده، که مامورین رژیم از شناسایی و تحویل آنها به بستگانشان ممانعت به عمل آورده‌اند. همچنین در عکسالعمل متقابل مردم چند مزدور رژیم هم کشته شده‌اند.

بوکان:

روز پنجشنبه ۱۴ شهریور ۱۳۸۱ یک ماشین گشتی رژیم در جاده بوکان میانداوب، نزدیک روستای "ناچیت" در پنج کیلومتری بوکان یک ماشین پیکان را که حامل مقداری پارچه بوده است دنبال میکند. راننده پیکان وارد روستای "ناچیت" میشود تا به کمک مردم از دست مزدوران نجات پیدا کند. مزدوران گشت رژیم

اطلاعیه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

تعرض مردم علیه سرکوبگران جمهوری اسلامی ادامه دارد

مهاباد:

قبلا اخبار تظاهرات مردم مبارز شهرهای مهاباد و سردشت در روز سه شنبه ۱۹ شهریور علیه جمهوری اسلامی را به اطلاع رساندیم. بدنبال و تا امروز هم در شهر مهاباد عملاً حکومت نظامی است و نیروهای رژیم در حالت آماده باش میباشند. در ضمن مزدوران اطلاعاتی که از ارومیه آمده‌اند، در خیابانهای اصلی و چهارراهها و محلهای ورود و خروج شهر مردم را تحت کنترل دارند و به بهانه‌های مختلف ماشینها و حتی گاها عابرین را بازدید میکنند. آخرین اخبار حاکیست که در تظاهرات

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

۲۱ شهریور ۱۳۸۱
۱۲ سپتامبر ۲۰۰۲

کمیته کردستان

دبیر کمیته:

رحمان حسین زاده

Email:

r_hoseinzadeh@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۳۹۸۵۵۸۳۷

مسئول دبیرخانه:

محمد آسنگران

تلفن: ۰۰۴۹۱۷۸۵۱۹۹۶۰۵

Email:

asangaran@aol.com